

# تشویق کودکان به عبادت

تشویق کودکان به عبادت این مسئله از کارهای بسیار مهمی است که باید با جدیت فراوانی پیگیری شود. این گام بلند، هنگامی تحقق می‌پذیرد که والدین، کودک را به تمرین نماز و روزه و سایر عادات مذهبی وادارند.

در این زمینه احادیث فراوانی از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین رسیده است. حدیث زیر از امام حسین (ع) یا از امام باقر (ع) نقل شده که فرموده‌اند:

"يُنَزَّكُ الْغُلَامَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سَنِينَ، فَاذَانْتَمَّ لَهُ سَبْعُ سَنِينَ، قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَكَفْيِكَ فَاذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ: "صَلِّ"، ثُمَّ يُنَزَّكُ حَتَّى



يَتِمُّ لَهُ تِسْعَ سِنِينَ فَاذَاتُمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ ضَرَبَ عَلَيْهِ وَآمَرَ بِالصَّلَاةِ وَضَرَبَ عَلَيْهَا، فَاذَاتَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ عَفَّرَ اللَّحْلُ وَالِدِيَّانِ شَاءَ اللَّهُ" وسائل الشيعه جلد ۳- باب ۳ .

یعنی : کودک اگر پسر باشد تا هفت سالگی آزاد است . چون هفت سالش به پایان رسید ، به او گفته می شود که دستها و صورتت را بشوی . هنگامی که انجام داد ، به او گفته می شود نماز بخوان . سپس رهایش می کنند تا اینکه نه سالش به آخر رسد ، آنگاه وضو و نماز را به او می آموزند که بجا آورد . اگر سربلایی کرد او را می زنند . زمانی که وضو و نماز را فرا گرفت ، خداوند ( ان شاء الله ) لغزشهای پدر و مادرش را می بخشد "

همچنین از امام حسین (ع) نقل شده است که

فرمود :  
"أَنَا نَامِرُ صِبْيَانِنَا بِالصِّيَامِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ ، فَإِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ قَلَّ ، فَاذًا عَلَيْهِمُ الْعَطَشُ وَالْفُورَةُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ . فَمَرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامٍ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا "

یعنی : " همانا ما پسران خود را هنگامی که هفت ساله شدند به روزه فرمان می دهیم . پس روزه می گیرند تا نصف روز ، یا کمتر یا بیشتر ، زمانی که تشنگی و ضعف بر آنان غلبه کرد ، روزه را می شکنند تا ( کم کم ) آمادگی برای روزه پیدا کرده و تحمل آن را داشته باشند . پس شما پسرانمان را هنگامی که نه ساله شدند به روزه تمرین دهید تا مدت زمانی که تحمل دارند ، زمانی که تشنگی بر آنان مستولی شد روزه خود را بشکنند " علت تمرین دادن کودک به مسائل عبادی این است که گرچه فایده بهجا آوردن عبادت و اثرهای مثبت و سازنده اش را درک نمی کند

ولی ، این تمرین باعث عادت کردنش می شود و هنگامی که به تدریج فواید عبادت را با بیسانی ساده و شیرین برایش توضیح دادند که : اگر این عبادات را انجام دهیم خدا ما را دوست دارد ، و این عبادات باعث جلوگیری انسان از کارهای زشت می شود و چون روز قیامت در پیشگاه عدل خداوندی حاضر شدیم باید پاسخ کارهای خود را بدهیم ، لذا باید مواظب باشیم که کارهای بد انجام ندهیم ... این اعمال قبل از

از بلوغ باعث می گردد که بعد از بلوغ انجام عبادات برایشان هیچ گونه سختی و دشواری در برداشته باشد ، چون تمرین کرده اند . و با توجه به اینکه کودک در سنینی به سر می برد که پدر و مادر بهترین سرمشق هستند و چون آنها را دوست دارد ، لذا حرفشان را می پذیرد ، و فطرتش نیز پاک است . چنانچه پیامبر گرامی اسلام "ص"

فرمود :  
"كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَي الفِطْرَةِ ، الْاَبْوَاهُ يَهُودَانِهٖ اَوْ نَصْرَانِهٖ اَوْ يَمَجْسَانِهٖ "

یعنی : " هر فرزندی با فطرت خدا جوئی چشم به جهان می گشاید ،

مگر اینکه والدینش یهودی یا مسیحی یا زرتشتی بوده و وی را از فطرت خدایی اش منحرف کنند . "

### ایجاد اخلاقی کودک

این بعد ، تعیین کننده مسیر زندگی و آینده کودک است . برخلاف مسائل گذشته این مورد با جوهر وجود آدمی سروکار دارد و مربوط به رعایت یک سلسله اصول اخلاقی ثابت در زندگی فردی و اجتماعی است . و هر ملتی که آن اصول را زیر پا بگذارد در ورطه فلاکت و بدبختی و فساد غوطه ور می شود .

است که زن و شوهر برای همدیگر احترام متقابل قابل بوده و زندگی را بر پایه محبت و دوستی استوار نمایند. در مکتب مقدس اسلام، احادیث شریفی در این زمینه آمده است که میان آنها به دو حدیث از پیامبرگرمی اسلام "ص" اکتفا می‌کنیم. "خیرالرجال من امتی الذین یتناولون علیسی اهلیم و یحنون علیهم ولا یظلمونهم"

یعنی: "بهترین مردان از امت من کسانی هستند که به همسر خویش گستاخی نمی‌کنند، بسا آنان مهربانند، و بر آنان ستم روا نمی‌دارند."

و باز از آن حضرت نقل شده است: "لاتودی المراه حق الله حتی تودی حق زوجها."

"زن حق خدا را ادا نمی‌کند، تا اینکه حق (مشروع) همسر خویش را به جای آورد."

تمامی این تاکیدها به خاطر این است که کودک در محیطی کاملاً آرام و سرشار از صفا و صمیمیت پرورش یابد و هنگامی که وی رفتار خوش‌والدین را می‌بیند، طبیعی است که تاثیر پذیرفته‌سعی می‌کند رفتار خود را با آنان تطبیق دهد.



معنای عنوان فوق این است که والدین هنگام تربیت چند نکته را باید رعایت کنند:

۱. رشد روح‌راستگویی در کودک از راه وفای به قول و وعده خود. چنانچه در حدیث شریفی از پیامبر بزرگوار "ص" نقل شده است:

"احبوا الصبیان وارحموهم ، و اذا وعدتموهم ففوالهم ، فانهم لایرون الا انکم ترزقونهم" یعنی: "دوست بدارید کودکان را و بر آنها رحم آورید. وزمانی که وعده‌ای به آنان دادید به آن وفا کنید. آنها جز شما روزی دهنده‌ای برای خود نمی‌بینند."

و چون کودک در آینده اجتماع نقش (اعم از مثبت یا منفی) خواهد داشت، پس باید او را فردی راستگو، متعهد، وظیفه‌شناس، و... پرورش داد، زیرا، از چنین هنگامی رستگاری طفل یا به زانو درآمدنش در میدان زندگی بی‌ریزی می‌شود. و از آنجایی که از دیدگاه‌ها، اخلاق زیر بنای فعالیت‌های آدمی است، لذا تمامی ادیان توحیدی برای اخلاق نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای قابل شده‌اند. تاجایی که خداوند متعال خطاب به پیامبرش فرمود:

"وَإِنَّكَ لَکَلِّئِ خُلُقٍ عَظِيمٍ"

یعنی: "همانا تو بر خلق و خوی بزرگوارانمای" و خود پیامبر بزرگوار اسلام "ص" فرمود:

"انی بعثت لاتتم مکارم الاخلاق."

ترجمه: "بدرستی که من برانگیخته شدم، تا کرامت‌های اخلاقی را کامل نمایم."

اخلاق اسلامی علاج بیماری‌های روحی بشر است، کودک در این سنین آماده پذیرش مسائل اخلاقی است، زیرا، کودک خودجهان را از دیدگاه زیبایی، صفا، و پاکی می‌بیند و مطالب اخلاقی را چون با فطرت پاک و دست‌نخورده‌اش سازگار است، باسانی می‌پذیرد. اسلام پدر و مادر را با دستورهای حیات‌بخش خود به وظایف خطیرشان آشنا می‌کند.

از جمله روش‌های آموزشی مسائل اخلاقی در اسلام، راه‌های زیر است:



این مطلب وابسته به این است که پدر و مادر خودبای بند به اصول اسلامی باشند و دستورات مکتب را در زندگی خویش به کاربندند. قبلاً اشاره کردیم که این رفتار صحیح در صورتی

نباشد ، کمتر نیست . عدم رعایتش نقش منفی و تخریبی بر روحیهٔ کودک به جای می‌گذارد ، زیرا ، اگر در میان بچه‌های خانواده ، والدین یکی را بیش از دیگران نوازش کنند ، این عمل خشم و کینهٔ برادران و خواهرانش را برخواهد انگیزد ، باعث تفرقه و اختلاف بین کودکان ، و بدبینی بچه‌های دیگر خانواده به پدر و مادر ، و رشد عقدهٔ حقارت در او خواهد شد که نتایج سوئی را در آینده در برخواهد داشت .

در روایات شریف اسلامی به رعایت عدالت از جانب والدین در خانواده ، حتی در بوسیدن و نوازش کردن بسیار تأکید شده است . نقل کرده‌اند هنگامی که رسول خدا ، که درود پروردگار بر او خواندانش باد ، مردی را دید که دو کودک را بر زانوان خویش نشاند و فقط یکی را می‌بوسد فرمود : " هلاساویت بینهما؟ " چرا تساوی را بین این دو کودک رعایت نکردی ؟

هنگامی که پدر در میان خانواده تساوی را رعایت می‌کند ، و بین آنان تبعیض قایل نمی‌شود ، این عملش باعث می‌گردد که صفت نیک رعایت عدالت در حق دیگران ، در کودکان نیز رشد کند . و چون خود ، شاهد شیرین عدالت راچشیدند ، در آینده در حق دیگران نیز عدالت را اجرا می‌کنند . این کار کودکان را در سرکوبی صفات زشتی چون خودخواهی ، حسد ، کینه ، و . . . که در وجودشان نهفته است یاری می‌دهد .

علتش نیز روشن است وقتی خود به وعده‌ای که می‌دهیم عمل کنیم ، کودک را نیز متعهد پرورش می‌دهیم و از او انسانی راستگو و دراز خیانت و دورویی می‌سازیم .

۲. احترام به کودک اثر مثبت و سازنده‌ای در آینده اش خواهد داشت ، زیرا ، اگر ما به آنها احترام بگذاریم آنان نیز به ما و دیگران احترام خواهند گذاشت .

اما اگر به آنها احترام نگذاریم و همواره تحقیرشان کنیم نتیجه اجتناب ناپذیر عمل ناشایستهٔ ما ، باوراندن حس حقارت و حس خود کم بینی (احساس کهنتری) و کشتن استعداد های خدادادی در آنان است .

در اینجا اهمیت مکتب مقدس اسلام را در می‌یابیم که رسول اکرم "ص" فرمود : " لیس منا من لم یرحم صغیرنا ویوقر کبیرنا " .

" از ما نیست کسی که به کودکان خردسال رحم نکرده و احترام بزرگترها را نگه ندارد ."

و در حدیث دیگری امام صادق (ع) نقل می‌کند که پیامبر فرمود :

خَمْسٌ لَسْتُ بِنَارٍ كَهْنٌ حَتَّى الْمَمَاتِ . . . و تَسْلِمِي عَلَى الصَّبِيَانِ ، لِيَكُونَ سُنَّةٌ مِنْ بَعْدِي . " یعنی : " پنج صفت است که تاهنگام مرگ آنان را ترک نمی‌کنم . . . ( از جمله آنها) سلام کردن بر کودکان است ، تا بعد از من بین مردم رایج شود ."

علت رفتار ما این است که کودکان نیز مانند ما انسانند و دارای احساسات و شخصیت هستند و با اندک رفتار غلط ما رنجیده خاطر شده انسانهایی سلطه‌گر و خودخواه می‌شوند .

۳. رعایت عدالت بین کودکان : این موضوع اگر اهمیتش از مسائل گذشته بیشتر

